



نویسنده: لینزی بیلینگ «Lynzy Billing»
منبع و تاریخ نشر: انٹی وار «2023-09-26»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

میراث سمی: آنچه آمریکا در افغانستان پشت سر گذاشت

A Toxic Legacy: What America Left Behind In Afghanistan

افغان‌ها می‌گویند که ارتش ایالات متحده سرزمین‌شان را آلوده کرده،
آب‌های شان را مسموم کرده و بچه‌های شان را مریض کرده است.



یک کارگر قراضه به نام انور هشت سال در خارج از میدان هوایی بگرام، بزرگترین پایگاه نظامی آمریکا در افغانستان، کار کرده است. او شش سال است که بر روی دستان خود «لکه‌های سرخ رنگ کوچک» دارد و معتقد است که ناشی از کار او است.

قسمت دوهم

در چهار سال آخر جنگ «داکتر زیر» سیل بیماران از ننگرهار و کنر همسایه را که بیشتر از گاستروانتریت حاد رنج می‌بردند، معالجه کرد. بیشتر این موارد مربوط به ولسوالی‌هایی است که در طول سال‌ها شاهد جنگ طولانی بوده‌اند، از جمله اچین، خوگیانی و شیرزاد در ننگرهار.

دکتر صباح الدین صبا، رئیس بخش ریوی بیمارستان جلال‌آباد که از مدت «14» سال به اینطرف رزیدنت است، علل متعددی را برای مجموعه‌ای از بیماری‌های تنفسی در سراسر منطقه ذکر می‌کند. او می‌گوید که آلودگی هوا می‌تواند ناشی از کار با

موادی مانند سیلیکون یا زغال سنگ با شد، به عنوان مثال: «برخی کشاورزان چیزی را دارند که ما «ریه کشاورز» می‌نامیم، زیرا در گرد و غبار کار می‌کنند».

اما او همچنین خاطر نشان می‌کند که افغانستان توسط بمب‌ها و حملات هوایی ویران شده است که "مواد شیمیایی را به جا گذاشته است که به مناطق اطراف پخش می‌شود و توسط مردم در اطراف تنفس می‌شود".

صبا می‌گوید: «ما بیماران زیادی را با سرفه‌های مزمن می‌بینیم و وقتی سی‌تی اسکن قفسه سینه گرفتیم، متوجه سرطان ریه شدیم بسیاری از بیماران دیگر مبتلا به آسم برونش، COPD [بیماری انسدادی مزمن ریه]، برونشولیت و آمفیزم هستند».

او معتقد است که برخی از این بیماران در معرض "گرد و غبار تحریک کننده یا شیمیایی" باقی مانده از بمب‌ها بوده‌اند. در سال 2018، بیمارانی که از کنسفر می‌کردند، از تنگی نفس و سرفه‌های خونی به بیمارستان در جلال‌آباد رسیدند. که عده‌ای از آنها مردند. بیمارستان هیچ سیستم جامعی برای مدیریت سوابق بیماران یا تجهیزات پیشرفته سم‌شناسی نداشت و ندارد که پزشکان را قادر می‌ساخت تا تشخیص دهند که چه مواد شیمیایی مسئول مسمومیت آشکار هستند. آنها فقط کیت‌های آزمایش مواد مخدر را داشتند که توسط صندوق جمعیت سازمان ملل ارائه شده بود. **صبا** می‌گوید دیگر بیماران با عفونت‌های مرموز و افات چشم و خونریزی بینی به بیمارستان رسیدند که به عقیده او علت هردوی آن مریضی‌ها ناشی از یک ماده شیمیایی بوده است.

یک انکولوژیست افغان که بیش از 20 سال در ننگرهار کار کرده است، به من می‌گوید که او و سایر پزشکان در این ولایت موارد بسیاری از سرطان، بیشتر ریه و لوزالمعده و پس از آن سرطان سینه را مشاهده می‌کنند. او می‌گوید که اکثر بیماران برای تداوی به پاکستان و هند می‌روند زیرا افغانستان مواد شیمیوتراپی «درمانی» و سایر داروهارا ندارد بیماران اکثراً سرطان سنج یا مرحله 3 یا 4 دارند «چون بطور منظم معاینه نمی‌شوند، و ما زودتر به تشخیص امراض سرطانی دست نمی‌یابیم؛ من بسیاری از سربازان مبتلا به سرطان ریه را درمان کرده‌ام».

او می‌افزاید: «اگر ما امکانات خوب و یک سیستم خوب در اختیار داشته باشیم، تحقیقات زیادی انجام می‌دهیم، اما اکنون افراد فنی در اینجا نداریم.» «اینجا افغانستان است، اگر مردم بر اثر سرطان بمیرند، چه کسی آن را ثبت خواهد کرد؟ کسی نیست که شمارش کند که چند نفر ناشی از سرطان و یا از عوامل دیگر مرده و یا کشته شده‌اند. این اولین بار است که یک نفر به اینجا می‌آید و چنین چیزی می‌پرسد.»

امتداد یک جاده‌ای به طول 300 مایل، که کابل را به قندهار متصل می‌کند و از جنوب از طریق ولایت‌های میدان وردک، غزنی و زابل می‌گذرد. طوفان‌های گرد و غبار که تا آخر جاده‌ای پیش رو را تیروتار می‌کند برانندگی 12 ساعت طول می‌کشد، و

مسیر با کامیون های پر بار در حال حرکت همراه با تلاش کمی برای جلوگیری از چاله ها خفه می شود. در کناره های بزرگراه، خودروهای پلیس گلوله زده و هاموی، بقایای طوفان پیروزمندانه طالبان در سراسر کشور به سمت پایتخت در سال 2021 پراکنده شده است.

در دفتر منطقه ای NEPA در شهر قندهار، مطیع الله زاهن، کارمند، مبارزات خود را با سوزاندن زباله و ریختن فاضلاب توسط پیمانکاران در میدان هوایی غول پیکر 3633 جریب قندهار که توسط نیروهای آمریکایی و افغان استفاده می شود، شرح می دهد.

"اینجا افغانستان است، اگر مردم بر اثر سرطان بمیرند، چه کسی آن را ثبت خواهد کرد؟"

او می گوید: «یک سال و نیم پیش، ما به پایگاه رفتیم و به آنها گفتیم که چه چیزهایی را می توانند بسوزانند و چه چیزی را نمی توانند بسوزانند و کجا را می سوزانند - که باید یک مکان خاص باشد، نه فقط ریختن و سوزاندن همه چیز در همه جا.

اما او می گوید که دفع زباله در لیست اولویت های فرماندهان پایگاه قرار نداشت و چیزی تغییر نکرد. نوع تفکر فرماندهان پایگاه این بود: «وظیفه پیمانکار رسیدگی به زباله ها است، برای من مهم نیست که چگونه این کار را انجام می دهد، فقط آن را از چهره یا از پیش روی من من بیرون کن. من مشکلات دیگری دارم، من در حال جنگ هستم.»

زهنم مرا تا فرودگاه همراهی می کند و با اجازه نامه های چند وزارتخانه و استاندار در دست، بیرون می رویم. منتظر می مانیم تا فرمانده پایگاه به ما نشان دهد که یکی از گودال های سوختگی کجا است، پشت دروازه ای که اکنون قفل شده و به سمت بین المللی فرودگاه منتهی می شود. دو ساعت بعد به ما می گویند برویم پس از خروج از پیچ و خم دیوارهای بلند انفجاری که از پایگاه خارج می شوند، از جاده اصلی به منطقه خوشاب، درست در غرب آن، منحرف می شویم محلی که در آنجا در حدود «15000» نفر زندگی میکنند و از کشاورزی زمین های اطراف محل امرار حیات میکنند خوشاب نزدیکترین قریه به فرودگاه است.



تصویری: لعل محمد 22 ساله در داخل خانه اش در کمتر از 100 متری میدان هوایی قندهار. کسی که از مدت پنج سال پیش دچار مشکلات کلیوی شد.

اوپنج سال پیش دچار مشکلات کلیوی شد. در اینجا، لعل محمد 22 ساله را می بینم که در زیر سایه دیوارهای فرودگاه مشغول کار زمینش است. با وجود گرمای مه آلود وحشیانه ظهر، او عرق نمی کند. مزارع گندم و سبزی او کمتر از 100 یارد از محیط پایگاه فاصله دارد.

خانه خانواده او توسط باغی با دقت نگهداری شده با ردیف هایی از سبزیجات و گل های شکفته احاطه شده است. داخل آن چاهی به عمق 60 فوت است که 15 سال پیش حفر شده و آب آشامیدنی خود را از آنجا تامین می کنند. آنها هشت سال پیش از استان همسایه زابل به اینجا نقل مکان کردند. پنج سال پیش، هم او و هم خواهرش نازا کا 21 ساله دچار مشکلات کلیوی شدند. او به من می گوید: «پزشکان با رها در کلیه های من سنگ کلیه پیدا کردند. او می گوید: «پزشکانی که نزد آنها رفتیم به ما گفتند که آب را در اینجا ننوشیم» و اضافه می کند که آنها نمی توانند از آب همسایگان خود استفاده کنند، زیرا چاه های مشابهی دارند. و ما نمی توانیم آب بطری «آب در بوتل» بخریم».

او مرا به سائیتی یا محل روبه روی پایگاه می برد که محلی ها به آن (قاضی قرض) می گویند، جایی که می گوید تانکرها هفته ای یک یا دو بار فاضلاب و زباله می ریزند. او می گوید از سال 2014 تا زمانی که آمریکایی ها رفتند، زباله ها را در پنج نقطه اینجا می سوزاندند و به نقاطی اشاره می کند. امروز، این یک زمین با ز «بایر» و خالی است، اما او می گوید فقط یک سال و نیم پیش، دودریق را می توانستم ببینم که به سمت آسمان حرکت می کرد.

گرچه دستورالعمل مدیریت پسماند نظامی ایالات متحده از سال 1978 مشخص می‌کند که زباله‌های جامد در صورت وجود جایگزین نباید در یک گودال بازسوزانده شوند، اما گودال‌های سوزاندن در افغانستان همچنان ادامه دارد. به گفته دفتر پاسخگویی دولت، مقامات وزارت دفاع اعلام کردند که مدیریت زباله‌های جامد همیشه در زمان جنگ اولویت بالایی ندارد.

مقررات CENTCOM مشخص کرده است که وقتی یک تاسیسات به مدت 90 روز از 100 پرسنل آمریکایی فراتر می‌رود، باید برنامه‌ای برای نصب جایگزین برای چاله‌های سوزاندن در فضای باز برای دفع زباله ایجاد کند. سنتکام به SIGAR گفتند که "هیچ تاسیسات ایالات متحده در افغانستان هرگز مطابق با مقررات عمل نکرده است." ارتش ایالات متحده در چهار سال اول حضور خود در افغانستان تقریباً به طور انحصاری از گودال‌های سوزاندن کثافات در هوای آزاد برای دفع زباله‌های جامد خود استفاده کرده. تنها در سال 2004، وزارت دفاع آمریکا یک سال پس از شکایت سربازان بازگشته از اعزام از تنگی نفس و آستما، روش‌های دفع جدید از جمله دفن زباله و سوزاندن کثافات را روی دست گرفت.

زباله‌های سوزانده شده در گودال‌های هوای آزاد شامل نفت و روان‌کننده‌ها بود. لاشه حیوانات و انسان از جمله اعضای بدن نیز به داخل پرتاب می‌شد.

و در حالی که CENTCOM در آغاز سال 2009 در تلاش برای محدود کردن استفاده از گودال‌های سوختگی بود، اتکا به آنها ادامه داد. در آوریل 2010، پنتاگون به کنگره گزارش داد که سوزاندن در هوای آزاد ایمن‌ترین، مؤثرترین و مناسب‌ترین روش کاهش زباله‌های جامد در طول عملیات نظامی است. تا زمانی که تلاش‌های تحقیق و توسعه بتواند جایگزین‌های بهتری را تولید کند. اندکی پس از آن، CENTCOM برآورد کرد

251 گودال سوختگی فعال در افغانستان وجود دارد که نسبت به چهار ماه قبل 36.4 درصد افزایش داشته است. در همان سال، مطالعات بهداشتی این نگرانی را ایجاد کرد که دود چاله‌های سوختگی، آلوده به سرب، جیوه و دیوکسین، می‌تواند به غدد فوق کلیوی، ریه‌ها، کبد و معده آسیب برساند. در سال 2011، دستورالعمل سرانجام بیان کرد که گودال‌های سوختگی باید دور از مناطق نزدیک به نیروها قرار گیرند.

وزارت دفاع پیمانکارانی مانند KBR، Inc.، که قبلاً به نام Kellogg Brown & Root شناخته می‌شد، برای مدیریت چاله‌های سوختگی استخدام کرد. طی سال‌ها، KBR با پرونده‌های قضایی متعددی در رابطه با چاله‌های سوختگی و تصفیه‌خانه‌های آب که در عراق و افغانستان فعالیت می‌کرد، مواجه شده است.

بر اساس گزارش‌های متعدد از جمله گزارش سال 2010 توسط ناسوتی، کاپیتان سابق نیروی هوایی ایالات متحده، زباله‌های سوزانده شده در چاله‌های هوای آزاد شامل نفت و

روان کننده ها بود رنگ‌ها، آزبست، حلال‌ها، گریس، محلول‌های تمیزکننده و مصالح ساختمانی حاوی فرمالدئید، مس، آرسنیک و هیدروژن سیانید بسیاری از مایعات، مایعات یخ زدای هواپیما، ضد یخ، مهمات و سایر مهمات منفجر نشده ظروف فلزی، مبلمان، و لاستیک، قطعات هاموی و لاستیک. و مواد غذایی دور ریخته شده، پلاستیک، فوم، چوب، باتری های لیتیوم یون، تجهیزات الکتریکی، رنگ، مواد شیمیایی، لباس های فرم، آفت کش ها، و زباله های پزشکی و انسانی. لاشه حیوانات و انسان از جمله اعضای بدن نیز به داخل پرتاب میشد.

اگرچه مقررات CENTCOM سوزاندن تعداد زیادی از مواد و مواد شیمیایی خطرناک را ممنوع می کند، اما این و سایر اقدامات دور ریخته شده با استفاده از سوخت جت 8-JP به آتش کشیده شد ند که بنزن، یک ماده سرطان زا شناخته شده را آزاد می کرد. توده های پارچه و قطعات زباله های سوخته روی پایگاه شناور می شد و به اتاق های خواب، کار و غذاخوری سربازان نفوذ می کرد که اغلب کمتر از یک مایل دورتر بودند. این دود شامل فلزات سنگین، دیوکسین ها، ذرات معلق، ترکیبات آلی «عضوی» مفر، هیدروکربن ها و اسید کلریدریک و بسیاری از مواد سمی دیگر بود.

میدان هوایی قندهار در سال 2012 روزانه بیش از 100 تن زباله جامد و بیش از 5 میلیون گالن آب فاضلاب از 30000 توالی قابل حمل تولید کرد. وزارت دفاع برای اولین بار در آن سال 23 کوره زباله سوز را با هزینه تقریباً 82 میلیون دلار به قندهار آورد، اما ثابت شد که این ماشین ها بسیار غیر قابل اعتماد و پرهزینه عمل می کنند. یکی از کوره های زباله سوز با دو سال تاخیر تحویل داده شد و قبل از اینکه حتی روشن شود نیاز به تعمیر یک میلیون دلاری داشت. بازرسی SIGAR از سال 2012 تا 2014 مشکلات مکانیکی جدی و تکیه بر چاله های سوختگی را نشان داد. در سال 2015، بازرسی کل SIGAR استفاده از گودال های سوختگی در فضای باز را "غیر قابل دفاع" خواند.



لعل محمد به مکان کنار میدان هوایی قندهار اشاره می کند که در آن تانکرها هفته ای یک یا دو بار فاضلاب و زباله ها را تخلیه می کردند (Bearbeitet)..

هفته قبل از اینکه به قندهار بروم، با یک مقام آمریکایی آشنا به گودال‌های سوخته صحبت کردم که شاهد سوزاندن انواع ند زباله‌های سمی در گودال‌های عظیم پایگاه‌های ایالات متحده در افغانستان بودند

این مقام که نخواست نامش فاش شود، به من گفت که زباله‌های پایگاه در قندهار "همه جا بود" و هیچ کس به مشخصات این که چه چیزی و چه زمانی می‌تواند در گودال بسوزد، توجه نمی‌کند. این مقام گفت که پیمانکاران "فقط همه چیز را می‌سوزانند" "من انتظار داشتم توده‌ای از خاکستر را ببینم، اما تنها چیزی که دیدی چیزهایی بود که سیاه شده بودند. به طور مؤثر همه چیز را از بین نمی‌برد. من فکر می‌کردم چرا زحمت بکشم؟" «آنها گفتند که گودال‌های عظیم سوختگی به اندازه‌ای عمیق حفر می‌شوند که بارها مورد استفاده قرار گیرند و «وقتی به سطحی رسید که دیگر نتوانند بسوزند، فقط خاک را روی آن بیل می‌کردند و یکی دیگر را در نقطه‌ای دیگر حفر می‌کردند. بوی وحشتناکی می‌دادند».

این مسئول به من گفت که اکثر زباله‌ها به درستی یا اصلاً کار نمی‌کنند و تعمیر نمی‌شوند. در زمان‌های دیگر، پرسنل در مورد نحوه استفاده از آنها به درستی آموزش ندیده بودند، "بنابراین کاری که همه پایگاه‌ها انجام دادند این بود که به همان کاری که قبلاً انجام می‌دادند برگردند"، یعنی استفاده از گودال‌های سوخته یا تخلیه زباله.

عبدالسمیع، 32 ساله، و ذبیح الله امرخیل، 31 ساله، پزشکان افغان، به خوبی از آسیب‌های ناشی از چاله‌های سوختگی آگاه هستند. این زوج قبل از کار به عنوان جراح تروما در شفاخانه‌های نظامی در پایگاه‌های قندوز، ننگرهار، کابل و بلخ و نیز قندهار، که تا امروز در آنجا کار می‌کنند، با هم پزشکی آموختند.

من بیماری‌هایی را با مشکلات پوستی و عفونت چشم دیده‌ام برخی دیگر به دلیل آب آلوده مشکلات کلیوی داشتند، سربازان آمریکایی نیز. ما همچنین بیماران مبتلا به گاستروانتریت حاد داشتیم بعد از اتمام شیفت دکترها را از فرودگاه جمع کرده بودم.

آنها در همه پایگاه‌ها، سربازان و غیرنظامیان را با همان مجموعه‌ای از مشکلات ریوی و تنفسی که پزشکان در جلال‌آباد شاهد بودند، معالجه کردند. آنها می‌گویند اکثر بیماران آنها کسانی بودند که در نزدیکی گودال سوختگی کار می‌کردند.

سامی در جلال‌آباد به یاد می‌آورد که روزی 200 بیمار مبتلا به مشکلات تنفسی، بیماری‌های پوستی و مشکلات معده را ثبت می‌کرد.

او می‌گوید: «بیشتر این بیماران از پایگاه نظامی بودند. او می‌افزاید که محله‌های نظامی تنها در 650 یارد غرب از یکی از گودال‌ها قرار داشت.



ذبیح الله امرخیل، 31 ساله، پزشکی خوانده و به عنوان جراح تروما با سامی کار می کند. او گفت که در میدان هوایی قندهار، یک گودال سوختگی بسیار نزدیک به مرکز آموزش نظامی بود که سربازان تازه کار آموزش را در خود جای داده بود که با مشکلات تنفسی و مشکلات پوستی برخورد کردند. تصویر: ذبیح الله امرخیل، 31 ساله، پزشکی خوانده و به عنوان جراح تروما با سامی کار می کند. کردند.



داکتر افغان عبدالسمیع، 32 ساله، به عنوان جراح تروما در شفاخانه های نظامی در پایگاه های قندوز، ننگرهار، کابل، بلخ و قندهار کار می کرد. سامی در جلال آباد به یاد می آورد که روزانه 200 بیمار مبتلا به مشکلات تنفسی، بیماری های پوستی و مشکلات معده را ثبت می کرد.

ذبیح الله امرخیل، 31 ساله، پزشکی خوانده و به عنوان جراح تروما با سامی کار می کند. او گفت که در میدان هوایی قندهار، یک گودال سوختگی بسیار نزدیک به مرکز آموزش نظامی بود که سربازان تازه کار آموزش را در خود جای داده بود که با مشکلات تنفسی و مشکلات پوستی برخورد کردند.

امرخیل میگوید که ضایعات میدان هوایی قندهار هم در داخل و هم در خارج از پایگاه ریخته و سوزانده شده است. او نقشه‌ای را ترسیم کرد که بزرگترین گودال سوختگی پایگاه را نشان می‌دهد، بین دو طرف آمریکایی و افغانستانی فرودگاه، و مکان دیگری که زباله‌ها و دیگر زباله‌ها در محل دفن زباله ریخته می‌شوند. او گفت تا سال 2016، "آنها هفته ای یک بار، همیشه چهارشنبه، چاله های سوختگی را انجام می‌دادند. شعله های آتش حدود 4 متر ارتفاع داشتند. امرخیل به من می‌گوید که گودال سوختگی بسیار نزدیک به مرکز آموزش نظامی بود که سربازان تازه کارآموزی را در خود جای می‌داد که به آلودگی شدید هوا عادت نداشتند. در سال 2016، او روزانه 10 سرباز کارآموز را با مشکلات تنفسی می‌دید.

او می‌گوید که 10 تا 15 نفر دیگر مشکلات پوستی داشتند. او می‌افزاید که زباله های پایگاه عملیاتی پیشرو گمبری، در ولایت لغمان در نزدیکی جلال آباد، در بند دارونته در غرب شهر ریخته شد و در آنجا آب را آلوده کرد. امرخیل می‌گوید که در قندهار همه چیز به چاله های سوختگی میرود، از جمله یک ظرف خاص که برای زباله ها و تجهیزات پزشکی استفاده می‌شود. او می‌گوید: «وقتی پر می‌شد، ظرف هم می‌سوخت».

مومند خوستی، پزشک نظامی، گودال های سوختگی را "کشنده" نامید. خوستی از سال 2007 در شفاخانه های افغانستان و امریکا در میدان هوایی قندهار و پنج میدان هوایی دیگر در پسته های ارشد و تا زمان تسلط طالبان به عنوان معاون امور صحتی وزارت دفاع کار می‌کرد.

وقتی هفته‌ها قبل در کابل ملاقات کردیم، او در گوشه پشتی یک رستوران نشسته بود، او محل یک گودال سوختگی قندهار را روی یک دستمال، در حدود یک مایلی بیمارستان در سمت افغانی پایگاه، مشخص کرد. او می‌گوید: «ما همچنین زباله ها و تجهیزات پزشکی را در یک گودال سوختگی کوچکتر در 100 متری بیمارستان سوزاندیم. او می‌گوید آخرین باری که او چاله های سوختگی فعال را دید در ژوئن 2021 بود. در حالی که تشخیص دقیق علت مشکلات تنفسی، سرطانها، بیماری های پوستی و مشکلات کلیوی که بیماران در میدان هوایی قندهار از آن رنج می‌بردند، دشوار است، خوستی معتقد است که «بسیاری از موارد» مستقیماً با فعالیت های نظامی و خود پایگاه ها مرتبط بوده است.

او می‌گوید: «یک شب 30 سرباز با اسهال و استفراغ وارد بیمارستان شدند» در روزهای بعد، موارد بیشتری وارد شد. "کارکنان بیمارستان سپس متوجه شدند که آب پایه آلوده شده است. خوستی که در سرطان های کبد، کیسه صفرا و مجرای صفراوی تخصص دارد، توضیح داد که چگونه یک سرباز مبتلا به سرطان ریه در مراحل پایانی دو روز قبل به ملاقات او آمده است. از او درباره سبک زندگی و سابقه کاری اش پرسیدم. او به من گفت که در پایگاه های پدر میدان جنگ کار میکند. او داشت سرفه های مخاطی سیاه رنگی داشت. از

آنجایی که او سال ها به عنوان سرباز کار کرده است، معتقدم سرطان او به دلیل آلودگی ناشی از چاله های سوختگی است .

بررسی ها بعداً نشان داد که اعضای ارتش ایالات متحده که در معرض آلودگی گودال های سوخته در افغانستان قرار داشتند، بلغم سیاه رنگی را که آنها را «پلاک خام» یا «گوب سیاه» می نامیدند، سرفه کردند. آنها گزارش دادند که از بیماری مزمن تنفسی شدیدی، از جمله برونشیت انقباضی، یک اختلال ریوی نادر و اغلب کشنده که هیچ درمانی برای آن وجود ندارد، رنج می برند. علائم دیگر شامل اسهال بدون دلیل، سردردهای شدید، ضایعات گریه، عفونت ولکه های پوستی مزمن، درد شدید شکم، سرطان خون، سرطان ریه، خونریزی بینی، بیماری های شدید قلبی، آبنه «بندش تنفس در هنگام خواب» خواب، کم خونی، زخم، کاهش وزن غیرمنتظره و استفراغ بود.

با این وجود، وزارت امورکهنه سربازان ایالات متحده، یا VA، تا سال 2021 اصرار داشت که تحقیقات متناقضی و ناکافی برای نشان دادن اینکه مشکلات سلامتی طولانی مدت ناشی از قرار گرفتن در معرض گودال سوختگی است، وجود نداشته است و اکثر ادعاهای مربوط به مزایای مربوط به قرار گرفتن در معرض سمی را رد کرد. طبق گزارش VA (voice of America) در سال 2015، VA تخمین می زند که بیش از 3.5 میلیون سرباز و سرباز از سال 1990 در معرض دودهای سمی ناشی از سوختگی در حین استقرار و جابجایی در خارج از کشور قرار گرفته اند.

داکتران افغان در قندهار ادعا می کنند که مواد سمی از چاله های سوختگی به رشد جنین آسیب می رساند. دکتر سهلا محمدی 40 ساله در یک کلینیک کوچک در خوشوب در حدود 100 یا ردی از میدان هوایی قندهار، در میان جمعیتی از مادران و کودکان در اتاق انتظار کوچک درمانگاه مزدحم از مریضان کار می کند. او در مورد ناهنجاری های قلبی، اختلالات ژنتیکی و سایر نقایص مادرزادی در نوزادانی که مادرانشان در نزدیکی پایگاه زندگی می کردند به من می گوید، این موارد تا این حد در 20 سال پیش دیده نمی شد.

او می گوید: «من فکر می کنم که بیشتر این پرابلم های صحتی ناشی از جنگ بوده؛ بویژه، زمانی که مادرانشان باردار بودند. بر اساس تحقیقی که در سال 2017 توسط مؤسسه سلطنتی تروپیکال در هلند منتشر شد، تعداد نقایص مادرزادی در افغانستان به ازای هر 1000 نفر بیش از دو برابر بیشتر از ایالات متحده است. این مقاله همچنین خاطر نشان می کند که افزایش مواجهه مادر با برخی مواد شیمیایی ممکن است بر رشد جنین تأثیر بگذارد و به ناهنجاری های مادرزادی کمک کند. افزایش خطر ناهنجاری های مادرزادی در زنان افغان شاغل در بخش های زراعت و کسانی که در نزدیکی محل های زباله های خطرناک زندگی می کنند گزارش شده است.



زنان باردار در کلینیک صحتی در منطقه خوشاب، در مجاورت میدان هوایی قندهار منتظر ملاقات با پزشک هستند .

زمانی که دکتر مژگان ساوابی اصفهانی، سم شناس زیست محیطی در دانشگاه میشیگان مشغول به کار بود، مطالعات متعددی در مورد عراق منتشر کرد که در آن نقایص مادرزادی بهتر از افغانستان مطالعه شده است. او دریافت که نوزادان و کودکان در معرض فلزات بالقوه سمی مانند تنگستن، تیتانیوم، سرب، جیوه، کادمیوم، کروم، توریم و اورانیوم قرار گرفته اند که به شدت در تسلیحات و سخت افزارهای نظامی استفاده می شود .

او به من گفت: «شایع ترین ناهنجاری های ناشی از نقایص قلبی و نقص لوله عصبی هستند. عبدالولی عابد، مدیر درمانگاه خوشاب برای بیش از یک دهه، به من می گوید که در هفته های قبل از خروج آمریکایی ها از پایگاه، کارکنان هر هفته دود را از چاله های سوختگی مشاهده می کردند. یک انجنیری که در هشت سال گذشته در میدان هوایی قندهار کار می کرد، گفت که درست قبل از خروج ارتش ایالات متحده از پایگاه، آنها چیزهای زیادی را سوزاندند، «حتی خودروها». «رودخانه ای در پشت پایه وجود داشت که از دیوار بیرون می آمد» «جایی که تا آخر فاضلاب می ریختند» «بر اساس تحقیقات منتشر شده در سال 2017، تعداد نقایص مادرزادی در افغانستان به ازای هر 1000 نفر بیش از دو برابر بیشتر از ایالات متحده است .

هنگامی که از درمانگاه خارج می شوم، با عبدالرازق 35 ساله، نگهبان درمانگاه آشنا می شوم که تمام عمر خود را در این منطقه زندگی کرده است. او می گوید «رودخانه ای» را که مهندس به من گفته بود، می شناسد و من را به بیرون از درمانگاه هدایت می کند تا سه جایی را که آب از دیوارهای فرودگاه بیرون می آید را به من نشان دهد .

بیرون می‌رویم و در ضلع جنوبی پایگاه راندگی می‌کنیم و از زمین‌های کشاورزی خشک برخوردار می‌کنیم. یک رنده فلزی جریان خروجی یکی از لوله‌ها را پوشانده بود که در یک ترانسه به عرض 26 فوت در جلوی آن حک شده بود.

رازق به من می‌گوید که چندی پیش، آب از پایگاه خارج می‌شد و به نهرهای کوچکتری سرازیر می‌شد که زمین‌های کشاورزی مجاور را تغذیه و یا ارواح می‌کردند. او می‌گوید: «آب کثیف و صابونی بود و زباله در آن بود. اما وقتی آمریکایی‌ها پایگاه را ترک کردند، متوقف شد.»

« در امتداد جاده در ضلع شمال شرقی پایگاه، رشته‌ای از مغازه‌های موقت مملو از مجموعه‌ای تصادفی از ضایعات، از صندلی‌های هاموی گرفته تا موتورهای خودرو و جعبه‌های مهمات وجود دارد. من همان را در نگرهار دیده بودم، جایی که صاحبان مغازه‌ها یک بار اقتصاد شلوغی را روی زباله‌های پایگاه ایجاد کرده بودند. در اینجا، فیدا محمد، 17 ساله، و اسان الله، 15 ساله را می‌بینم که از آفتاب ظهر در داخل کلبه خراب خود پنهان شده‌اند، و اطراف آن را انبوهی از فلز احاطه کرده‌اند. آنها اصالتاً اهل ولایت غزنی هستند، اما پس از مرگ پدرشان در اثر سکنه قلبی هفت سال پیش، با مادر و سه برادر کوچکترشان به قندهار نقل مکان کردند، به این امید که اگر از تجارت آهن قراضه (آهن‌های بیکاره و دور انداخته شده) امرار معاش کنند.»



احسان الله 15 ساله در داخل مغازه ضایعاتی که با برادرش در آن طرف جاده میدان هوایی قندهار کار می‌کند. او از مشکلات تنفسی رنج می‌برد و دست‌هایش مملو از لکه‌ها است. زمانی که سربازان ایالات متحده هنوز در پایگاه بودند، پسران می‌توانستند از جمع‌آوری ضایعات که از ب قندهار کار می‌کند ..

فدا محمد به من می‌گوید: «برخی چیزها مانند تلویزیون، رادیو، رایانه، تلفن همراه و انواع وسایل الکترونیکی توسط افراد پایگاه سوزانده شد، اما ما از آن عبور می‌کردیم و فلزی را که از آتش‌سوزی جان سالم به در برده بود، جمع می‌کردیم.

احسان الله در پنج سال گذشته از مشکلات تنفسی رنج می‌برد و دستا نش مملو از لکه‌هایی جلدی است که از دو سال پیش شروع شده بود برادر کوچکتر ما نیز بیمار شد. او کوچک بود، مادرم به من گفت که او را با خودمان سر کار بیاورم. او با همه چیز بازی می‌کرد و بعد همان مشکل پوستی احسان الله را پیدا کرد.

او مرا به بیرون هدایت می‌کند و به این بقایای مرگبار اشغال آمریکا اشاره می‌کند: گلوله‌های توپ منفجر نشده و جعبه‌ای پر از نارنجک‌های 40 میلی متری. احسان الله دو سال پیش به کوئته پاکستان رفت تا به همراه مادرش به پزشک مراجعه کند.

او می‌گوید: «من نمی‌توانستم درست صحبت کنم یا بایستم. مشکل واقعی قفسه سینه من بود. من دو ماه و نیم آنجا بودم. اما حتی الان هم با تنفس مشکل دارم.» پزشکان در پاکستان علت را تشخیص ندادند، اما پسران معتقدند که منشأ مشکلات سلامتی احسان الله نزدیکی او به فرودگاه است. فدا محمد می‌گوید که این دونفر از بوتل‌هایی پلاستیکی گرفته تا پرزه جات موتورها و وسایل نقلیه گرفته تا «چیزهای بد» مانند نارنجک‌های زنده یعنی نامفجر شده و همچنین مهمات و گلوله‌ها را جمع‌آوری می‌کنند.

برادر کوچکتر ما نیز بیمار شد. او کوچک بود، بنابراین مادرم به من گفت که او را با خود به محل کارمان بیاورم.»

خوستی به من گفته بود که در اطراف پایگاه عملیاتی پیشروی سالرنودر ولایت خوست، مردم از عفونت چشم رنج می‌برند. او گفت که حتی مواردی از کودکان، برخی از آنها در سنین 6 یا 7 سالگی، به تومورهای چشمی مبتلا شده بودند. آنها در حال جمع‌آوری ضایعات از پایگاه و مناطقی در اطراف محل آزمایش تسلیحات توسط ارتش ایالات متحده بودند و گاهی اوقات مواد منفجره را می‌بردند، بنا براین من معتقدم تومورهای چشم آنها به این موضوع مربوط می‌شد.»

هرکسی که در نزدیکی میدان هوایی بگرام زندگی می‌کند، گودال‌های سوخته را با بوی کباب‌های خشمگین زباله‌ها می‌شناخت، که معمولاً توسط کارمندان افغان نظارت می‌شد، تعداد کمی از آنها برای محافظت از خود در برابر دود و خاکستری که از چاله‌ها بیرون می‌ریخت، ماسک می‌پوشیدند. یکی از کارمندان سابق پایگاه به من می‌گوید: "وقتی 10 سال این نوع کار را انجام می‌دهید، 15 ... هیچ چیز نمی‌تواند شما را ایمن نگه دارد." برگر کینگ و سایر فست‌فودها، یک فروشگاه عینک آفتابی Oakley و تا سال 2014، یک بازداشتگاه مخفی یک مزرعه دیزل ژنراتور غول‌پیکر 24 ساعت شبانه روز به

پایگاه انرژی می داد و جریان ثابتی از مونوکسید کربن، اکسیدهای نیتروژن، ذرات معلق و گوگرد منتشر می کرد یک مجتمع مدیریت زباله با 13 ساختمان که در سال 2014 ساخته شد تا نیروگاه های زباله سوز جدید پایگاه را در خود جای دهد که به نظر می رسد پایگاه عظیم ایالات متحده، در حدود 15 مایلی شمال کابل، خانه 40000 پرسنل نظامی و پیمانکاران غیرنظامی در اوج خود بوده و هواپیماها و هلیکوپترها در آن برخاسته و فرود می آیند. تمام ساعات شبانه روز بارهای زیرزمینی، یک فرودگاه خصوصی، یک تاثیر کمی بر ترشحات داشت.

ساکنان گفتند که تا زمان خروج ایالات متحده در نیمه یک شب جولای دو سال پیش، هر هفته مهی از زباله های آئروسول از چیزی که سربازان آمریکایی آن را "گودال گند" می نامیدند بیرون می آمد و با هوای غبار گرفته در ولایت پروان مخلوط می شد. من نیم ساعت با ماشین دورتر از بگرام، در جنوب شرقی مرکز استان چاریکار، گورستانی از کامیون های زنگ زده، تانک ها و موتورهای هلیکوپتر که توسط اتحاد جماهیر شوروی استفاده می شد، در زیر آفتاب تابستان پخته می شد، بقایای خوردگی وسایل نقلیه در خاک فرو می رفت. اب. در جاده زیر کامیون های متعلق به دلالان ضایعات قرار داشتند که منتظر انتقال زباله ها به پاکستان بودند. چند هفته بعد، همه چیز از بین رفت.



یک قبرستان تانک در فاصله نیم ساعتی از میدان هوایی بگرام



رودخانه ای که از میدان هوایی بگرام می گذرد .

در حالی که من از وزارتخانه های مربوطه طالبان اجازه نامه داشتم، برای بازدید از پایگاه گسترده به مجوز عبیدالله امین زاده، والی جدید پروان نیاز داشتم. امین زاده به عنوان یکی از اعضای طالبان، به مدت چهار سال در بگرام زندانی بود، در حالی که این شهر تحت کنترل ارتش ایالات متحده بود. اکنون، او عملاً مسئول بزرگترین پایگاه نظامی پنتاگون در افغانستان بود .

فرماندار با خونسردی در دفترش، در محاصره دستیارانش، در قلب چاریکار، به من می گوید: «وقتی انفجارها شروع شد، می دانستیم که جمعه است زمانی که او یک زندانی بود، او را در تاریکی نگه داشتند، اما از صدای "و آن بو" متوجه شد که ارتش در حال انفجار کنترل شده تجهیزات نظامی و مهمات در بگرام است. او می خندد و رو به یکی از دستیارانش میکند که باتکان دادن سر به نشانه موافقت می گوید: «ما از انفجارها می دانستیم که درچه روزی از هفته صورت میگیرد .

امین زاده مرا به ناهار با ولسوال بگرام دعوت می کند. به من قول داده شده بود که به پایگاه گسترده دسترسی داشته باشم و مشتاقم که در داخل، کنترل پس از آمریکا را ببینم بنا براین با وجود رزرو، دعوت را می پذیرم. ناهار شامل من، تنها زن، می شود که یک ساعت و نیم در یک اتاق تنها نشسته ام، با مردان در اتاقی دیگر، خنده های قهقاری آنها در سراسر حیاط طنین انداز بود؛ در نهایت خداحافظی می کنیم و به سمت پایگاه حرکت می کنیم. ما به دروازه می رسیم، اما نه بیشتر. به من گفته شد که فرماندهی که از او به اجازه نیاز دارم، در پایگاه نبود - همان چیزی که در پایگاه های ننگرهار و قندهار برای من اتفاق افتاده بود .

نگاه می‌کنم که دروازه‌های پایگاه باز می‌شود تا یک فوردر رنجر وارد شود. بچه‌هایی که گونی‌هایی بزرگتر از خودشان حمل می‌کنند که با مجموعه‌ای از ضایعات پر شده است، سعی می‌کنند مخفیانه وارد شوند، اما توسط یک نگهبان طالبان که بالای یک هاموی مخروبه که با آن تزئین شده بود، فرار می‌کنند. گل‌های پلاستیکی.

لحظه بسیار دور از صحنه ای است که به مهندس زیست محیطی و سرهنگ کابل بلاش رزرو نیروی هوایی ایالات متحده در تابستان 2011 به بگرام رسید. فرمانده نیروهای امنیتی بگرام برای تحقیق در مورد سوختگی پایگاه با تیم خود تماس گرفته بود. گودال تیم بلاش تنها مطالعه نمونه‌گیری شغلی را بر روی پرسنل آمریکایی در نزدیکی چاله‌های سوختگی ارتش در افغانستان انجام داد.

در اوج حضور ایالات متحده در افغانستان، بگرام روزانه بین 2300 تا 4000 یارد مکعب زباله می‌سوزاند که برای پر کردن 175 تا 300 کامیون کمپرسی کافی است. بود ناشی از چاله‌های سوخته، مخلوط با گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها، نگهبانان را در شیفتهای 12 ساعته در ایست‌های بازرسی پایگاه و برج‌های نگهبانی به ارتفاع 10 یاردی کار می‌کردند.

قوانین جدیدی از سوی وزارت دفاع آمریکا برای ممنوعیت سوزاندن مواد خاص وضع شده بود، اما این مهم نبود، زیرا محققان دریافته‌اند که 81 درصد زباله‌ها همچنان به گودال سوختگی می‌رود، از جمله موارد ممنوعه مانند کیسه‌های پلاستیکی، مواد بسته‌بندی، مصالح ساختمانی شکسته و قوطی‌های آئروسل.

نتایج بی‌چون و چرا بود. میزان آلاینده‌های موجود در هوا که توسط مانیتورهایی که هر سرباز استفاده می‌کنند، از سطح دستورالعمل‌های قرار گرفتن در معرض کوتاه مدت نظامی فراتر رفته است.

هدف از این مطالعه این بود که ببینیم سربازان واقعاً چطور نفس می‌کشند. تیم بلاش به اعضای نیروهای امنیتی مانیتورهای نمونه برداری شخصی مجهز کرد. او توانست به افراد مورد مطالعه چهار مانیتور، که شامل پمپ‌ها، فیلترها و لوله‌های تنفسی بود، مجهز کند. بلاش گفت که آنها مشتاق کمک هستند. نتایج بی‌چون و چرا بود. میزان آلاینده‌های موجود در هوا که توسط مانیتورهایی که هر سرباز استفاده می‌کنند، از سطح دستورالعمل‌های قرار گرفتن در معرض کوتاه مدت نظامی فراتر رفته است. آنهایی که نزدیک گودال سوختگی و مجتمع دفع زباله هستند بیش از 50 برابر از آستانه کیفیت هوای سازمان حفاظت محیط زیست ایالات متحده فراتر رفتند. بلاش که اکنون معاون مدیر منطقه ای جزایر شمال غربی-اقیانوس آرام سازمان زمین‌شناسی ایالات متحده است، گفت: «در حال حاضر، ما علامت سوال‌های زیادی داریم. در سال 2011، یک یادداشت ارتش اعلام کرد که غلظت بالای گرد و غبار و زباله‌های سوخته موجود در میدان هوایی بگرام احتمالاً بر سلامت جانبازان تا پایان عمر تأثیر می‌گذارد. در این یادداشت اشاره

شده است که میزان آلاینده ها در هوای بگرام بسیار بیشتر از میزان مجاز طبق دستورالعمل های دولت ایالات متحده است .

یک روز پس از آن که مقامات طالبان از دسترسی من به بگرام محروم شدند، نور محمد احمدی، 41 ساله، یک دهکده، مرا از پیچ و خم باریکی از گذرگاه ها به سمت خانه اش، درست بیرون پایگاه، هدایت می کند. او در روستای گولای کالی زندگی می کند، جایی که جویبارها در خانه های فشرده و جاده هایی که پایگاه را احاطه کرده اند، پرپیچ و خم می شوند. با رانندگی در اطراف، 16 مکان را می شمارم که آب از کانال های کوچک در دیواره های بلند به داخل یا خارج پایه جریان می یابد. خانواده ها از درهای کانتینرهای حمل و نقل به عنوان دروازه مجتمع ها و مغازه های خود استفاده می کنند. در بالای آنها پرچم سفید طالبان در باد به اهتزاز در می آید. محله پر از فعالیت است. یک جفت دختر که خواهران نوزادشان را حمل می کنند، در کنار رودخانه ای قدم می زنند و در اعماق حرف زدن مردان در مزارع گندم مجاور قدم برمی دارند، دستانشان را پشت سرشان به هم گره می زنند، در حالی که بچه ها از کنارشان می دوند، سرهایشان را به آسمان صورتی خم کرده اند و چشمانشان به بادبادک هایشان در بالا قفل شده است. در سال 2011، احمدی و 17 تن دیگر از دهیاران این منطقه به عبدالبصیر سائنگی والی پروان تقاضایی نوشتند و گفتند که پایگاه بگرام آب آشامیدنی آنها را از بین می برد.

اجداد او سال ها در گولای کالی زندگی می کردند، اما زمانی که طالبان برای اولین بار در دهه 1990 به قدرت رسیدند، روستاییان آن را ترک کردند. او می گوید: «وقتی دولت جدید وارد شد، ما برگشتیم، بنابراین اکنون 20 سال است که اینجا هستیم. آنها به ما گفتند که آب تمیز است و مشکلی در آن وجود ندارد، اما هیچ نتیجه ای در اسناد و گزارش ها به ما نشان ندادند .

ما دو درخواست به فرماندار فرستادیم یکی در مورد اموال ما بود. آمریکایی ها زمین های ما را گرفتند و پایگاه را در اینجا گسترش دادند. و دومی در مورد مشکل آب ما بود. او می گوید که این پایگاه مانع از رسیدن رودخانه پنجشیر به مزارع آنها برای زراعت شده بود. آنها همچنین آب دستشویی را به آبراه ها و مزارع ما می ریختند. «او پشته ای از کاغذهای با دقت سازماندهی شده در آستین های پلاستیکی را بیرون می آورد» من همه نامه ها را دارم "نهرهای رودخانه پنجشیر از شمال وارد پایگاه می شود و در جنوب و شرق از آن خارج می شود. او می گوید فرودگاه آب را منحرف می کرد. نهصد خانواده اینجا در روستای گلای کالی زندگی می کنند و بدون آب بودند. فرماندار قول داد با نظامیان صحبت کند و تیمی را برای بررسی آب بفرستد. دو هفته بعد، یک تیم متشکل از نماینده ولسوالی از وزارت زراعت و آب، نماینده وزارت صحت عامه، یک مترجم افغان و "دو نظامی بین المللی از پایگاه" به روستاها آمدند و نمونه برداری کردند. احمدی می گوید از چاه ها. او می گوید: «پس از این، والی یک جلسه بزرگ در دفتر خود با افراد نظامی بین المللی، یک نماینده از هر روستا، یک فرمانده افغان به نام صفی الله صافی و تیمی که نمونه ها را گرفته بودند، تشکیل داد. آنها به ما گفتند که آب تمیز است و مشکلی

در آن وجود ندارد، اما هیچ نتیجه ای در اسناد و گزارش ها به ما نشان ندادند فرماندار به پرسنل فرودگاه دستور داد تا چاهی به عمق 100 یارد برای روستاییان حفر کنند، اما به گفته او هرگز این اتفاق نیفتاد سه مرد از روستا در خانه احمدی به ما می پیوندند یک مرد به نام عجب گل می گوید که مشکلات تنفسی دارد و چندین عمل جراحی برای برداشتن سنگ های کلیه مکرر انجام داده است او می گوید: «در منطقه ما آب تمیز نداریم» شاید این دلیل است "محمد سلیم، یک کشاورز، می گوید: «اینجا همه مریض هستند زمانی که جامعه جهانی به افغانستان آمد، مشکلات من شروع شد. «او می گوید که در 17 سال گذشته باریه های خود مشکل داشته است او می گوید که پایگاه حداقل سه بار در هفته زباله می سوزاند.

حمیدی می گوید چاه ها او می گوید: «پس از این، والی یک جلسه بزرگ در دفتر کار خود با افراد نظامی بین المللی، یک نماینده از هر روستا، یک فرمانده افغان به نام صفی الله صافی و تیمی که نمونه ها را گرفته بودند، تشکیل داد. آنها به ما گفتند که آب تمیز است و مشکلی در آن وجود ندارد، اما هیچ نتیجه ای در اسناد و گزارش ها به ما نشان ندادند فرماندار به پرسنل فرودگاه دستور داد تا چاهی به عمق 100 یارد برای روستاییان حفر کنند، اما به گفته او هرگز این اتفاق نیفتاد سه مرد از روستا در خانه احمدی به ما می پیوندند. یک مرد به نام عجب گل می گوید که مشکلات تنفسی دارد

و چندین عمل جراحی برای برداشتن سنگ های کلیه مکرر انجام شده است او می گوید: «در منطقه ما آب تمیز نداریم» شاید این دلیل است "محمد سلیم، یک کشاورز، می گوید: «اینجا همه مریض هستند زمانی که جامعه جهانی به افغانستان آمد، مشکلات من شروع شد. «او می گوید که در 17 سال گذشته باریه های خود مشکل داشته است او می گوید که با کمترین بار در هفته ها را می سوزند و بادهای آنها را روی روستای او و زمین هایی که او می کند، در حدود 50 یاردی پایگاه کشاورزی می کند.



"محمد سلیم، یک کشاورز، می گوید: «اینجا همه مریض هستند. زمانی که جامعه جهانی

به افغانستان آمد، مشکلات من شروع شد. «او می گوید که در 17 سال گذشته باریه های خود مشکل داشته است. او می گوید که پایگاه حداقل سه بار در هفته زباله ها را می سوزاند و بادهای آن ها را روی روستای او و زمین های بی که او کشاورزی می کند، در حدود 50 یاردی پایگاه می وزیدند.



پسری از روی نهری که از دیوارهای پایگاه بگرام می ریزد می پرد. چندین محل سوختگی در پایگاه، که مطالعات نشان داده است هوا بسیار بالاتر از استانداردهای EPA آلوده است، آخرین بار در اواسط ژوئن 2021 فعال بودند.

سلیم می افزاید: «وقتی دود را دیدیم، بچه هایمان را به داخل خانه بردیم و به دلیل بوی بد مجبور شدیم دهان و بینی خود را بپوشانیم. این یک مشکل بزرگ برای ما بود. سلیم بین سال های 2012 تا 2019 سه بار برای دیدن یک پزشک به پاکستان سفر کرد.

دکترها خونم را گرفتند، آزمایش های زیادی انجام دادند و به من دارو دادند، اما هنوز خوب نیستم. اگر دود باشد، دیگر نمی توانم نفس بکشم و نمی توانم سرفه هایم را کنترل کنم. وقتی سرفه میکنم چشمم گریه میکنه من یک مخاطی سرفه می کنم که گلوم را می سوزد.»

سلیم می گوید: «بسیاری از کشاورزان این منطقه بیمار هستند. آنها به آن می گویند "ریه بگرام". کافی است به هر دری بکوبید، آن را خواهید یافت... آمریکایی هایی که در پایگاه بودند بیمار هستند، اما ما نیز بیمار هستیم. همه همین هوا را تنفس کردند.» در طول سال ها، امدادگران بین المللی، روزنامه نگاران و دیپلمات های مستقر در کابل با نام خود «سرفه کابلی» برای توصیف هک مزمن، برونشیت و عفونت های سینوسی دست

یافتند. این علائم به ویژه در ماه های زمستان، زمانی که دود ناشی از ذغال سنگ و بخاری های نفت سوز حوضه کابل را فرا گرفت، پایدار بود.

در حالی که علت مشکل سلیم مشخص نشده است، توصیف او از "ریه بگرام" آزمایش هایی را که در ایالات متحده بر روی سربازان لشکر 101 هوایرد انجام شد به ذهن متبادر کرد.

در حالی که همه آنها بر روی عملکرد ریوی معمولی آزمایش کردند، یک پزشک در مرکز پزشکی دانشگاه واندربیلت بیوپسی ریه را روی بیش از 50 نفر انجام داد و متوجه شد که تقریباً همه آنها دارای برونشبولیت انقباضی، تنگی کوچکترین و عمیقترین راه های هوایی در ریه ها هستند - که غیرقابل برگشت است و وضعیت مزمن سایر مطالعات پزشکی تعداد زیادی از مواد سمی دیگر، از جمله سوخت جت نیمه سوخته را در ریه های جانبازی که در نزدیکی چاله های سوختگی خدمت می کنند، پیدا کرده اند.

«کارمندان ما در آن ماه اجازه ورود به پایگاه را نداشتند» اما «می توانستیم ابرهای دود را ببینیم که بالا می آیند».

سپس تخلیه فاضلاب بود در گولای کالی همه می گویند آب مثل آسمان کثیف است سلیم، کشاورز می گوید: «هر روز، پیمانکاران آمریکایی از پایگاه «هفت تا 10 تانکر حامل آب دستشویی را می آوردند و آن را در کانال ها می ریختند [و ما هنوز] نمی توانیم آنجا را بشویم».

ضیاء الحق، یک روستایی که در کنار سلیم نشسته است، می گوید: «من مشکلات کلیه و مثانه دارم و احساس ضعف زیادی می کنم. او می گوید روزها برای ایستادن خیلی خسته بود».

او در 15 سال گذشته در کنار بگرام زندگی می کند و هفت سال از آنها ناخوش بوده است. او می گوید: «من دو سال در داخل پایگاه در یخچال بزرگی که در آن غذا و نوشیدنی های انرژی زا نگه می گوید: «من دو سال در داخل پایگاه در یخچال بزرگی که در آن غذا و نوشیدنی های انرژی زا نگهداری می شد، کار کردم. من در کلیه هایم درد شدیدی دارم و نمی توانم مثانه ام را کنترل کنم. دکتر به من گفت که من آب تمیز ننوشیده ام، اما از آب چاه خود استفاده می کنیم».

هر خانه دیگری خارج از دیوار بگرام یک چاه پمپ آب دارد، زیرا رودخانه دیگر به روستا نمی ریزد.

« مردم اکنون از آب کانال نمی نوشند. خیلی کثیف است، » او می گوید. مردم در گولای کالی صدای انفجارهای بلند و مکرر را شنیدند که در ژوئن 2021 از پایگاه می آمد و متوجه نبودند که آمریکایی ها یک بار برای همیشه آماده خروج می شوند و مهمات، سلاح ها و خودروهای نظامی را نابود می کنند تا طالبان نتوانند. از آنها استفاده کنید

حتی زین العابدین عا بد، رئیس NEPA نیز دور نگه داشته شد. او به من گفت: «کارمندان ما در آن ماه اجازه ورود به پایگاه را نداشتند.»

در حالی که آمریکایی ها در کابل در اواخر آگوست 2021 دیوانهوار وسایل خود را جمع آوری می کردند، یک کارگر افغان در سفارت ایالات متحده از یک گودال سوختگی که توسط کارمندان سفارت درست در قلب کابل استفاده می شد فیلم گرفت. به ما گفته شد که همه چیز را از دفتر خارج کنیم و به این محل تعیین شده ببریم و همه چیز را در آنجا بیندازیم که آتش زده است " در بالای گودال سوختگی تصویر **جان سو پکو** - بازرس کل آمریکایی برای با زسازی افغانستان گذاشته شده بود.

چند درمورد نویسنده این مقاله :

لینزی بیلینگ یک روزنامه نگار تحقیقی بریتانیایی است که اصالتاً افغان-پاکستانی دارد. او از سال 2019 درمورد افغانستان گزارش می دهد. قبل از این، او در فیلیپین مستقر بود و در آنجا درباره موضوعاتی از جمله جنگ با مواد مخدر و قاچاق نوزادان گزارش می داد. داستان او در مورد قاچاق نوزادان باعث شد که سناتورهای فیلیپین رسماً خواستار تحقیق در مورد تجارت نوزادان برای فروش شوند.

در دسامبر 2022، بیلینگ *The Night Raids* را منتشر کرد، تحقیقاتی تقریباً چهار ساله در مورد استراتژی مرگبار سیا در تأمین مالی، و تجهیز نیروهای ویژه افغان برای هدف قرار دادن دشمنان در افغانستان. در این گزارش تلاش شد تا رد کشته ها و مجروحان غیرنظامی که توسط یکی از این واحدها به جا مانده بود، ردیابی شود.

بیلینگ سال ها را صرف عبور از مناطق خشونت بار افغانستان کرد تا پیامدهای یگان های صفر را ردیابی کند، جوخه های سربازان افغان که توسط سیا تمویل، آموزش و هدایت می شدند و نیروهای عملیات ویژه ایالات متحده در این حملات به آنها ملحق شدند. او از سایت های بیش از 30 حمله شبانه بازدید کرد و دریافت که آنها اغلب بر اساس اطلاعات فاجعه بار ناقص بوده و منجر به کشته شدن تعداد زیادی غیرنظامی بدون ارتباط با طالبان شده است. او بیش از 350 مصاحبه انجام داد تا عواقب این حملات را از چشم همه درگیر بررسی کند. او با بازماندگانی ملاقات کرد که در حملاتی که اعضای خانواده را بدون هیچ توضیح یا پیامدی کشته بودند، آسیب دیدند. او با یک رئیس سابق جاسوسی افغانستان صحبت کرد که به نقص های اطلاعاتی ایالات متحده برای نیرو دادن به واحدهای صفر اذعان داشت.

بیلینگ حتی موفق شد دو عضو یگان صفر را ردیا بی کند - کماندوهای افغان که به نقش آنها در جنگ آمریکا شک کرده بودند و یک تکاور ارتش آمریکا که خودش به عملیات واحد صفر پیوسته بود. هر یک از این شخصیت ها نه صرفاً به عنوان قربانی یا مجرم، بلکه به عنوان منشوری که از طریق آن می توان استراتژی ضد تروریسمی را که آمریکا در ویتنام، عراق و افغانستان به کار گرفته است، ارزیابی کرد.

در اوایل سال 2023، این تحقیق نامزد جایزه آنتونی شا دید برای اخلاق روزنامه نگاری و به عنوان فیفا لیست در جوایز مجله ملی شد.



بیلینگ

----- **با تقدیم احترامات « 2023-11-06 »**